

پایگاه علمی جهاد

مقالات این فصل نامه در پایگاه علمی جهاد
دانشگاهی (SID) نمایه می شود.



شماره ۶۴، پاییز ۱۴۰۲
شاپا: ۱۳۶۴-۲۳۲۲ - Issn

شماره استاندارد: ۱۳۶۴-۲۳۲۲

سال شروع انتشار: ۱۳۸۶

کد اختصاصی ژورنال: JR_OURMAZD

اورمزد

پژوهشنامه اورمزد

شماره‌ی شصت و چهار، پاییز ۱۴۰۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

سهراب سعیدی

شورای سردبیری: دکتر علی اصغر رستمی ابوسعیدی، دکتر علی محمد پشت‌دار، دکتر ابوالقاسم رادفر

ویراستار علمی و ادبی: دکتر حمید طبسی

مشاوران علمی این شماره: دکتر حمید طبسی، دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر فاطمه مدرسی، دکتر

علی محمد پشت‌دار

ویراستار و مترجم انگلیسی: محمد ذاکری ملاحی، دکتر علی پوردریایی، دکتر پروانه زارعی‌پور

مترجم انگلیسی: بهنام رشیدی

مدیر اجرایی و معاون سردبیر: محبوبه اسماعیلی

مدیر داخلی: رسول سعیدی

مدیر هنری و گرافیک: پرستو امیری

طرح جلد: یونس دهقانی

چاپخانه: نینوا/قم

شاپا: ۱۳۶۴-۲۳۲۲-ISSN

مقالات این فصل نامه در دو پایگاه علمی جهاد دانشگاهی (SID) و سیوبلیک نمایه می‌شود.



آدرس: هرمزگان، میناب، شهرک کوثر زهوکی، کوچه‌ی عدالت ۲۵، انتهای کوچه، کوچه

ترانس، کوچه بعد از انبار بنیاد مسکن، سعیدی، اورمزد.

☎: ۰۷۶۴۲۳۵۳۷۶۸۸ و ۰۹۳۳۹۰۱۵۴۵۵

پست الکترونیک:

ourmazd_jornal@yahoo.com و Sohrab_minab@yahoo.com

Web loq:hormozgan Ourmzod. bloq fa. Com

شمارگان: ۵۰۰ نسخه قیمت ۵۰۰۰۰ تومان

هیئت تحریریه و گروه آموزشی و پژوهشی، پژوهشنامه اورمزد

استادان

۱. دکتر ابوالقاسم رادفر، استاد زبان و ادبیات فارسی، پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. دکتر علی اصغر رستمی ابوسعیدی، استاد زبان‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. دکتر فاطمه مدرسی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه.
۴. دکتر محمدرضا صرifi، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۵. دکتر سید احمد حسینی کازرونی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
۶. دکتر محمد کاظم کهدوی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.
۷. دکتر عطاءمحمد رادمنش، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
۸. دکتر جهانگیر اقبال، استاد بخش فارسی دانشگاه کشمیر هندوستان.
۹. دکتر احمد تمیم‌داری، عضو هیئت علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۱۰. دکتر علی محمد پشت‌دار، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور تهران جنوب.

دانشیاران

۱. دکتر عبدالله اائق عباسی، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. دکتر مهدی خیر اندیش، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور شیراز.
۳. دکتر نجمه دری، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۴. دکتر علی پوردریایی عضو هیأت علمی زبان انگلیسی و دانشیار دانشگاه هرمزگان.
۵. دکتر مریم‌السادات اسعدی فیروزآبادی، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مهریز یزد.
۶. دکتر آسیه ذبیح نیا، دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور تفت یزد.
۷. دکتر محمود بشیری، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۸. دکتر موسی محمودزهی، دانشیار دانشگاه ایرانشهر.
۹. دکتر حسین قاسم‌پور مقدم، دانشیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف کتب درسی.
۱۰. دکتر مهدی رضایی، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون
۱۱. دکتر زیبا فلاوندی، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون

استادیاران

۱. دکتر اسدالله نوروزی، استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان.
۲. دکتر حمید طیبی، استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد جیرفت.
۳. دکتر فریدون اکبری شلدره، استادیار زبان و ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۴. دکتر فاطمه غلامرضایی کهن، استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان.
۵. دکتر فرامرز خجسته، استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان.
۶. دکتر سید محمود سید صادقی، عضو هیئت علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد بوشهر.
۷. دکتر ساقی دشتیان‌نژاد، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد شهرقدس.
۸. دکتر محمدصالح امیری، عضو هیأت علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
۹. دکتر مرتضی حاج مزدرانی، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور.
۱۰. دکتر فرهاد براتی استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه سلمان فارسی کازرون.
۱۱. دکتر امید روستا، مدرس دانشگاه امام صادق (ع) تهران.
۱۲. سهراب سعیدی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

بررسی جایگاه زن در کتاب ملت عشق با تاکید بر فمینیسم

فردوس بخشی قربانی*

محمدامیر عبیدی نیا**

چکیده

رمان ملت عشق پرفروش‌ترین کتاب تاریخ ترکیه که ترجمه فارسی آن در ایران نیز مورد توجه بسیار قرار گرفت. مؤلف این داستان در کتاب خود به دو داستان موازی که یکی در زمان معاصر و دیگری در زمان گذشته به ماجرای مولانا و شمس اشاره دارد. داستان‌ها به‌عنوان قسمتی مهم و جدایی‌ناپذیر از پیکره ادبیات هر زبانی بر اساس مؤلفه‌هایی مانند زمان و مکان بنا نهاده شده‌اند و برای آشنایی هرچه بهتر آنها باید به بررسی و تحلیل آنها پرداخت. در پژوهش حاضر با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع و مآخذ ایرانی و خارجی، استخراج اطلاعات لازم در پیوند با موضوع استفاده شده است. سپس دسته‌بندی این اطلاعات و پس از آن تحلیل داده‌ها باهدف بررسی دقیق مورد مطالعه، انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که جایگاه زن در آثار ادبی به صورت‌های متنوع به تصویر کشیده شده است. در ادبیات دوران پیشامدرن ما زن به صورت مطلق ستوده نشده است؛ اما در ادبیات مدرن و تجددگرا از حالت کلیشه‌ای ادبیات کلاسیک خارج شده و تصویر جدیدی از زنان را به ما نمایش داد. رمان ملت عشق نیز یک اثر ادبی معاصر حساب شده و نگاهی تجددگرایانه به جایگاه زن دارد. به‌خصوص که نویسنده این کتاب خانم الیف شافاک تمایلات فمینیستی دارد که در آثار ادبی او بی‌تأثیر نبوده

* دانشجوی کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

ferdos2022@gmail.com

** دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

m.obaydinia@urmia.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵



است. در رمان ملت عشق زن از جایگاه کلیشه‌ای خود که در ادبیات کلاسیک به وفور وجود دارد، خارج شده و خودش برای سرنوشتش تصمیم می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: ملت عشق، جایگاه زن، ادبیات فارسی، الیف شافاک

مقدمه

کتاب ملت عشق اثر الیف شافاک در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۰ به دو زبان انگلیسی و ترکی استانبولی منتشر شد. ملت عشق در ترکیه تا کنون بیشتر از ۵۰۰ بار تجدید چاپ شده است. این کتاب در زبان ترکی با عنوان (ask) و چاپ انگلیسی آن تحت عنوان چهل قاعده عشق (the forty rules of love) شناخته می‌شود. منظور از چهل قاعده عشق، مجموعه قواعدی است که در کتاب به نقل از شمس تبریزی در مورد عشق ذکر شده است و تعداد این قواعد چهل تا است. ترجمه فارسی این کتاب با عنوان «ملت عشق» منتشر شده است و همچنان جزو کتاب‌های پرفروش در سطح کشور است. عنوان فارسی این کتاب اقتباس شده از یک بیت در داستان «موسی و شبان» که در مثنوی معنوی است، است (خان زاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۳).

ملت عشق از همه دین‌ها جداست عاشقان را ملت و مذهب خداست در این بیت معنی قدیمی واژه ملت یعنی دین و مذهب مدنظر ما است. همچنین در ابتدای کتاب ملت عشق چند بیت آمده است که نشان‌دهنده فهم نویسنده از مفهوم عشق است. معنی لغوی عشق، شیفتگی و دلباختگی است. داستان ملت عشق در واقع دو ماجرا است که در دو زمان و مکان متفاوت و به موازات هم پیش می‌رود. در این داستان عشق در هر دو جنبه تشریح شده است؛ یعنی دلباختگی و جنبه عرفانی آن. عرفان نیز در لغت یعنی شناخت، آگاهی، درک، تأیید، تصدیق و اعتراف (آذرنوش، ۱۳۸۳: ۳۴).

پیشینه پژوهش

در زمینه جایگاه زن در ادبیات فارسی پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است. اغلب این پژوهش‌ها در قالب مقاله‌های ارائه شده در همایش‌ها و چاپ شده در مجلات بوده است که به چند مورد از



آنها اشاره می‌کنیم. حسین بر و مقدسی (۱۴۰۱) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی جایگاه و نقش زن در عرفان و تصوف اسلامی» اظهار داشته‌اند برخلاف نگاه متعالی اسلام به زن در عرفان و تصوف اسلامی، به خاطر وجود فرقه‌گرایی و دیدگاه‌های گوناگون یک قرائت و تفسیر ثابت از جایگاه زن وجود ندارد. آلیانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «نقد و بررسی رویکردهای زن محور در پژوهش‌های ادبیات عامه ایران» به این نتیجه رسیدند که تقابل سنت و مدرن شدن در پژوهش‌های ادبیات عامه دو دیدگاه ایجاد کرده است. به گمان عده‌ای آنچه در فرهنگ عامه مشاهده می‌شود، نتیجه سنت است؛ اما عده‌ای اعتقاد دارند که هم جهت با حقوق زنان است. به سبب دیدگاهی منفی که نسبت به سنت وجود دارد، این تصور در باب فرهنگ عامه پدید آمده که در تمام آثار مرتبط به آن -چه مکتوب و چه شفاهی- به خاطر حمایت از سنت، با حقوق زنان مخالفت می‌شود و در پژوهش‌ها نیز هدف برجسته کردن زمینه‌های فرهنگ مردسالار است تا موجب تثبیت و طبیعی سازی کلیشه‌های جنسیتی و تضعیف زنان و سرکوب آنها شود. اما در دیدگاه مثبت به سنت نیز در قالب‌هایی خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه شواهدی در اثبات گرایش‌های زن محور ارائه می‌شود و آثاری وجود دارند که سلطه مردان و کلیشه‌های جنسیتی آنان را نشان می‌دهد؛ ولیکن مادر که یک زن است نقشی مهم و انکارناپذیر دارد. به صورت کلی در تحقیقاتی که به زنان در ادبیات عامه مربوط است، به دلیل گستردگی مطالب، دیدگاه‌های افراطی و جانبدارانه، بیان کلیشه‌ای، استفاده غیر فعال از منابع، عدم وجود روابط عمودی و افقی بین مطالب، عدم ارتباط نظریه با تحلیل و نتیجه‌گیری‌های تکراری، اکثر اوقات مانع دستیابی به اطلاعات ارزشمندی می‌گردند. حسینی مکارم (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «اندیشه‌های نیما یوشیج در مورد جایگاه زن در آثار منشور» بیان می‌کند که در آثار منشور نیما، زنان جایگاه والایی ندارند و نگرش حاکم بر آن همان نگرشی سنتی عامیانه افراطی است. از نظر نیما یوشیج سیمای زنان قابل ستایش نیست. او در آثار خود زنان را در عشق بی وفا، موجوداتی خرافاتی و ناقص العقل می‌پندارد اما عباس زاده و طاهرلو (۱۳۹۰) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «سیمای زن در آثار سیمین دانشور» اظهار داشته‌اند که او سعی داشت در داستان‌هایش به زن پردازد و اکثر نقش‌های داستان‌هایش را نیز زنان تشکیل می‌دهند. البته توجه به زنان قبل از آثار او نیز سابقه داشته است. در



آثار سیمین دانشور زنان به دو طبقه زنان مرفه و زنان زحمت کش تقسیم می‌شوند. زنان زحمت کش به زنان مرفه خدمت می‌کنند. زنان طبقه متوسط در داستان‌های دانشور کمتر دیده شده است. در زمینه کتاب ملت عشق هم پژوهش‌هایی از قبل وجود دارد. در یکی از تازه‌ترین این پژوهش‌ها رنجبری (۱۴۰۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مولفه عشق در رمان ملت عشق الیف شافاک» بیان داشته است که کتاب ملت عشق از رمان‌های نوینی است که در تلاش برای بیان مسائل اخلاقی می‌باشد و مطالب اصلی رمان ملت عشق علاوه بر تأکید بر اهمیت عشق و کارکرد آن در زندگی و باطن و ظاهر آدمی بر این اساس استوار است که انسان هر چقدر که به رفع احتیاجات و برآورده کردن خواسته‌های جنبه مادی و نفسانی و خوشی‌های حاصل از آن فائق آمده باشد؛ تا وقتی بعد مادی با باطن معنوی و ملکوتی وجود ترکیب نشده و منتهی به تعادل نشده باشد؛ انسان به آرامش، آسایش و هدف‌نهایی خود که احساس خوشبختی و رسیدن به حیات طیبه است نائل نخواهد شد. خواجه‌یون هم در پژوهش خود به زبان انگلیسی با دیدگاهی جامعه‌شناسانه کتاب ملت عشق را منبعی با رویکرد مردم‌شناسانه معرفی کرده است (سعادت، محمدی فشارکی، ۱۳۹۹: ۷۴).

سؤال پژوهش

مسئله اصلی پژوهش این است که جایگاه زن در رمان ملت عشق چگونه نشان داده شده است؟ در پژوهش حاضر با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع و مآخذ ایرانی و خارجی، استخراج اطلاعات لازم در پیوند با موضوع استفاده شده است. سپس دسته‌بندی این اطلاعات و پس از آن تحلیل داده‌ها باهدف بررسی دقیق مورد مطالعه، انجام شد.

نگاهی به جایگاه زن در ادبیات فارسی از گذشته تا عصر معاصر

رمان ملت عشق در سبک روایت مداری نگاشته شده است. رئالیسم یا واقع‌گرایی در آن مشهود است. در این کتاب علاوه بر روایت سفرها، زندگی‌نامه‌ها و داستان‌های تاریخی، شاهد نوعی از



عرفان هستیم که با شرع در تقابل است. آغاز هر فصل این کتاب با حرف B یا همان «ب» است؛ اما نکته قابل توجه این است که مثنوی معنوی اثر معروف مولانا نیز با حرف «ب» و کلمه «بشنو» شروع شده (گرگی و چهرقانی، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

یکی از کلیدهای موفقیت داستان‌های تاریخی این است که نویسنده طوری داستان را بنگارد که ذهن خواننده با خواندن آن به همان زمان موردنظر برود تا درک بهتری از داستان در او ایجاد شود. تاریخ و مکان‌دار کردن اول هر بخش از رمان که به خوبی و در هر قسمت انجام شده باعث شده تا خواننده بارها بین سال دوهزار و هشت و هزار و دویست و چهل و چهار میلادی سفر کند و هشتصد سال تفاوت این دو تاریخ را به خوبی حس کند و این خیلی مهم است. در سیر این رمان هر چند که ملت عشق واقعاً جذاب و گیرا است؛ اما روایت اللا کمی در روایت رمان ضعف ایجاد کرده است. استفاده از زاویه‌های دید گوناگون در داستان باعث شده تا جذابیتی خوبی در آن ایجاد شود. از زوایای دید به کاررفته در این رمان می‌توان به زاویه دید مولانا و شمس اشاره کرد. با این تکنیک است که علاقه مولانا به شمس و احساس تنفر و کینه مردم و خانواده مولانا نسبت به شمس به خوبی فهمیده می‌شود؛ اما روایت اللا این چندگانگی در زاویه دید را ندارد و تنها از زاویه دید او است که داستان روایت می‌شود. اگر روایت اللا هم از چندین زاویه دید، مانند زاویه دید دیوید، عزیز زاهارا و یا فرزندان او بود خواننده در درک و فهم اللا موفق‌تر بود (گرگی و چهرقانی، ۱۳۹۸: ۹۸).

برای شناخت جایگاه و نقش زن در هر دوره و بررسی آن از ابعاد مختلف باید تمام جنبه‌های زندگی اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر مسائل آن جامعه در نظر گرفته شود. در هیچ دوره تاریخی جایگاه زنان مجزا و جدا از وضع عمومی جامعه نبوده و به نحوی همیشه به یکدیگر ارتباط داشته‌اند. همچنین برای اینکه درک درستی از جایگاه زن داشته باشیم نمی‌توان صرفاً به وضعیت سیاسی و اجتماعی موجود در آن دوره زمانی متکی بود؛ زیرا این نقش و جایگاه در یک جامعه از چیزهای گوناگونی مانند طرز فکر افراد، اعتقادات دینی و مذهبی نیز تأثیر می‌گیرد که از نسل‌های گذشته رسیده و به مرور زمان در زندگی مادی آن جامعه رخنه کرده است؛ این بدین معنا است که زن و کاری که او در جامعه و اجتماع می‌کند و تأثیری که بر آنها دارد در اثر اعتقادات



دینی است. به همین خاطر است که در جوامع گوناگون برخوردهای متفاوتی با زنان دیده می‌شود. در ایران باستان مردم با الگو گرفتن از باورهای دینی اجداد، برای زن جایگاهی والا قائل بوده‌اند به طوری که این جایگاه والا گاه تا حد پرستش خدایانی همچون آناهیتا قبل از پیدایش زرتشت ارتقا یافته و خود دلیلی بر ارزش بزرگ مقام زن به مثابه رکن و ستون اصلی خانواده بوده است. با توجه به نتایج حاکی از پژوهش‌های گوناگون، زن در دوره‌های اولیه تاریخ نه تنها جایگاه و منزلتی برابر با مرد داشته بلکه در برخی از برهه‌های تاریخی نیز ارزش زن حتی از مرد بیشتر بوده است. این امر به دلیل وظایف و کارهایی بوده که زن در خانواده و حتی ایل و قبیله برعهده داشته و آنها را انجام می‌داده است (افخمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳۰).

مطالعات جامعه‌شناختی درباره وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان ایران در دوره‌های مختلف زمانی، به خصوص پس از دوره اشغال ایران توسط عرب‌ها و خلفای عباسی مورد کم‌توجهی قرار گرفته است و باید با انجام تحقیق‌هایی این خلأ پژوهشی جبران شود. اوضاع شرم‌آور زنان که گروه کثیر آنها بی‌نام و نشان در عرصه‌ها مختلف زندگی مانند عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، علمی و ادبی حضور دارد، در این پژوهش‌ها باید به صورت دقیق بررسی شود. اطلاعات چندان موثقی از وضعیت زنان در دوره ذکر شده و قبل از آن در دسترس نیست. اطلاعاتی هم که وجود دارد نشان‌دهنده آن است که زنان در آن زمان از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و در حاشیه بودند. موارد گفته شده خود مشخص می‌کند که اوضاع زنان در آن برهه تاریخی چگونه بوده است. در این خصوص پژوهش‌هایی انجام شده است تا جایگاه زنان در متون ذکر شده تعیین گردد که البته این مورد تحت تأثیر جایگاه زنان در جامعه و روزگار نویسنده این کتاب‌ها بوده (اللهیار خلعتبری و بهادری، ۱۳۸۹: ۹۱).

اگر با یک دید کلی به جایگاه زنان در ادبیات یا هر جای دیگری نگاه کنیم می‌فهمیم که این جایگاه به طوری به بقیه نشان داده شده است که یادآور کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگی در ذهن ما باشد. این مورد برای مردان هم صدق می‌کند. مردان افرادی قوی، با اراده و پشتکار، فعال، مسلط، با قدرت، مهاجم و مقتدر نشان داده شده‌اند؛ اما در مقابل زنان ضعیف، در حاشیه، فاقد اقتدار،



منفعل که اغلب در شغل‌های ساده و سطح پایین مشغول به کار هستند. موارد گفته شده نمونه‌ای از کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگی حاکم بر تفکر اکثر جوامع است (استرینانی، ۱۳۹۲). هیچ دلیل علمی موجود نیست که حاکی از برتری مرد بر زن در ابعاد زندگی اعم از جسمی، روحی و روانی باشد و شرایط مردسالارانه حاکم بر دنیای امروزی ارث رسیده از نسل‌های گذشته است. خوشبختانه اکنون سطح آگاهی بشر رفته‌رفته بیشتر شده و تبعیض‌های جنسیتی روبه‌کاهش است و می‌توان گفت که بشر قادر است بدون در نظر گرفتن جنسیت به رشد و شکوفایی برسد در غیر این صورت افراد دارای نگرش‌های مخربی می‌شوند که برای تمام انسان‌ها عواقب بدی دارد (گلاب‌کش و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۶).

اگر بخواهیم جمع‌بندی کلی از حضور زنان در ادبیات کلاسیک تا قبل از سقوط رضاشاه داشته باشیم باید بگوییم که تا آن زمان تفکرات سنتی بر جامعه حاکم بوده و بیشتر تأکید داشتند دختران و زنان کارهای درون‌خانه را باید انجام دهند و نیازی به حضور آنها در بیرون از منزل به‌منظور اشتغال و... نیست. تلاش‌هایی برای آگاهی زنان در آن دوران صورت گرفت؛ ولی با مقاومت افکار سنت‌گرای زنان و مردان قرار می‌گرفت و چندان موفقیتی به دست نمی‌آورد تا جایی که سفرهای خارجی افرادی مثل ناصرالدین‌شاه به اروپا و دیدن تجدد اروپایی نیز تغییر خاصی در زندگی زنان ایرانی ایجاد نکرد؛ ولی پیش‌زمینه بعضی از امور در آینده شد (وهاب‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۰).

اگر بخواهیم جایگاه زن را در آثار معاصر فارسی بررسی کنیم باید گفت که جلوه‌های گوناگونی از شخصیت‌های زنان در داستان‌هایی همچون زن‌های هزار و یک‌رنگ هزار و یک‌شب، مادام بواری، آناکارنینا، زن‌های بور و مشک‌های هیچکاک، زن‌های اندرونی نشین و مظلوم یا مظلوم‌نمای توسط نویسندگان معاصرمان به تصویر کشیده شده‌اند. پایدارترین نقشی که زن‌ها در قصه‌ها و داستان‌ها داشته‌اند نقش «مادر» است. زن مادر در داستان‌هایی که خالق آنها مرد است حضور یکسانی با مردان دارد و اگر نویسنده هم زن باشد؛ چون احساس هم نوعی بین نویسنده و نقش او وجود دارد موجب افزایش کیفیت داستان می‌شود. به‌یادماندنی‌ترین نقش مادر مربوط به «زری» در داستان «سووشون» اثر سیمین دانشور است. در این اثر نقش «زری» تمام خصوصیات کلاسیک نقش مادر را دارد. برای یک مادر، خانواده مهم‌تر از هر چیزی است. خانواده به‌طوری ذهن یک



مادر را مشغول می‌کند که برای سایر سرگرمی‌های خود وقتی ندارد. شاید نقش پدر به‌خاطر کسب روزی و درآمد خانواده پررنگ است؛ ولی این مادر است که درون خانواده، کانون آن را گرم می‌کند و موجب پایداری آن می‌شود. هر چند در زمان کنونی هم اکثر خانم‌ها و مادران پایه‌پای مردان خود در راه کسب درآمد تلاش می‌کنند. از ویژگی‌هایی که یک مادر می‌تواند آن را داشته باشد می‌توان به مواردی مانند مدیریت پنهانی امور، سنگ‌صبور بودن، چشم‌انتظاری، رازداری، روحی لطیف و مهربان و... اشاره کرد. خصوصیات دیگری از زنان با نقش مادر نیز در داستان‌ها دیده شده است. مثلاً در داستان‌های «زن فرودگاه فرانکفورت» زنی می‌بینیم که از جایگاهش ناراضی است و برای تغییر وضعیتش ممکن است خصوصیات زنانه را مزاحم بداند. یا مثلاً برای الا در داستان ملت عشق بعد از آشناسدن با زاهارا، خانواده دیگر در اولویت نیست. نقش مادر در داستان‌هایی که بافت آن قدیمی‌تر است بسیار نقش پررنگی است ولی در مقابل جامعه شهری‌تر و زندگی مدرن امروزی زنان و مادران را شاغل نشان داده و باعث می‌شود تا آنان از وظیفه مادری خود دورتر بمانند. با این وجود، در چنین وضعیتی هم زن با حفظ نقش کهن خود، نقش مادرانه، استقلال خود را با کار خلاقیت و... حفظ می‌کند و در حالت اغراق آمیزتر ویژگی‌های مردانه از خود بروز می‌دهد و می‌کوشد عواطف زنانه‌اش را نشان ندهد. یک جلوه دیگر از زنان در داستان جلوه بسیار زنانه آنان است که پیش زمینه ایجاد عشق‌هایی آتشین و پرسوز و گداز بوده است. معمولاً چنین زنانی از دیدگاه عامیانه عامل فتنه و آشوب هستند. ولی در نگاه نویسندگان زن معاصر، این زنان به شکل دیگری درک شده‌اند. شیوا ارسطویی که از نویسندگان معاصر است در داستان‌های خود به این گونه از زنان بیشتر پرداخته است. یک تیپ دیگر از زنان که در داستان‌های ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است، «زنان مظلوم» هستند. منظور از زنان مظلوم آن گروهی از زنان هستند که مورد ظلم و ستم از طرف مردان قرار گرفته‌اند. این ظلم و ستم از طرف مردان در چند سال اخیر یکی از موضوع‌های نویسندگان خانم بوده است. آنها تلاش می‌کنند تا با خلق آثاری این ظلم را نمایان کنند و در جهت احقاق حق خود تلاش کنند. به‌عنوان نمونه در داستان‌های «کنیز»، «سنگ‌های شیطان» و «کافه چی» اثر منیره اندوهو روانی‌پور به این موارد توجه شایانی شده است. در این تیپ از داستان‌ها زنان معمولاً گرفتار شرایطی مانند داشتن همسری



زورگو یا پدری دیکتاتور در منزل هستند. تحت خشونت فیزیکی و روحی هم قرار دارند. در داستان «گل‌های یاس» در یک سبک کلاسیک مردی ستمگر را می‌بینیم. در داستان «سقوط» اثر نصرت ماسوری خود زن بودن و ذات آن نیز مایه تأسف و اندوهناک توصیف شده است. در نهایت آخرین تیپ از زنان که در داستان‌ها وجود دارد، تیپ «انسان» است. در این سبک از داستان‌ها زنان، افرادی معمولی مانند مردان هستند. محتوای داستان ربطی به جنسیت ندارد و فراتر از آن است. در این داستان‌ها زن ممکن است در موقعیت مادرانه قرار گیرد یا حتی به او ظلم شود؛ ولی چون مقصود و محتوای داستان جدا از جنسیت است؛ سبک نوشتاری متفاوتی با موارد گفته شده قبلی دارند. در این داستان‌ها مشخص نیست که اصلاً نویسنده زن است یا مرد؛ زیرا دیدگاه جنسیتی وجود ندارد. مثلاً با خواندن داستان «ویکفیلد» اثر ناتالی هاثورن در ابتدا خواننده شاید فکر کند که داستانی ضدزن می‌خواند که حتی در آن مرد از خانه می‌گریزد؛ ولی آنچه در این داستان مهم است انگیزه گریز از خانه است نه جنسیت فردی که از خانه می‌گریزد (جمالی و سجادی، ۱۳۹۴: ۳۳).

آشنایی با فمینیسم

کلمه فمینیسم از ریشه Feminine در معنای «زنانه، مادینه، زن آسا، مؤنث» که واژه‌ای فرانسوی بوده و از ریشه لاتینی Feminia گرفته شده است. این واژه در سال ۱۸۷۳ میلادی برای اولین بار در زبان فرانسه به کار گرفته شد (عمید، ۱۳۷۵). واژه یاد شده در فارسی به معنای حمایت از زنان، جانبداری از حقوق و آزادی زنان، همچنین آزادی خواهی زنان، زن‌گرایی و گرایش به جنس مونث است. از مجموع توصیف‌ها درمی‌یابیم که فمینیسم به مجموعه‌ای از جنبش‌های اجتماعی گفته می‌شود که مقصود آن دفاع از حقوق زنان و رفع تبعیض از آنان که بیشتر به دست خود زنان انجام بگیرد، است. در گرایش فمینیسم تمام زنان در این مورد که دچار ظلم واقع شده‌اند هم عقیده هستند اما روش‌ها و راه‌هایی را که باید آن را طی کنند تا به آزادی برسند گوناگون است و اختلاف نظر‌هایی در این مورد وجود دارد (منصور نژاد، ۱۳۸۱: ۲۴۸).



در پژوهش‌های بررسی شده فمینیسم را در سه مرحله تقسیم‌بندی کرده و بررسی کرده‌اند. مرحله یا موج اول فمینیسم، آغازشدن این جنبش هست. هرچند تاریخ دقیقی برای شروع آن ذکر نشده است؛ ولی بررسی‌ها نشان داده است که از قرن چهاردهم میلادی اسنادی در مورد حقوق زنان یافت شده است. اسامی افراد معروفی مانند «مری آستل» در این دوره دیده می‌شود (راندر و کارن، ۲۰۰۸: ۶۷).

صحبتهایی که در موج اول فمینیسم در جریان بود تا پایان جنگ اول جهانی ادامه یافت در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که موج اول فمینیسم، باورداشتن پیشرو بودن زنان در تحولات جامعه، جنبش سیاسی گسترده، دستیابی زنان به کارآموزی، آموزش و کار، بهبود وضعیت تأهل در قوانین، حق برابر با مردان برای طلاق و متارکه قانونی حق رأی برای زنان و مسائل ویژگی جنسی و... را شامل می‌گردد. چندین فرضیه در مورد افول موج اول فمینیسم وجود دارد از جمله اینکه زنان موفق شدند به اهداف خود برسند؛ زنان در این جنبش سرکوب شدند؛ زنان به اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی پیوستند. موج دوم فمینیسم از سال هزار و نهصد و شصت مطرح شد. تأکید آن هم بر روی نظرات و نگرش‌های زنانه بود. طرفداران این موج، به بازسازی و انقلاب مفاهیم (نه اصلاح مفاهیم) باور دارند و نظریه‌های موجود را جنس‌گرا و غیرقابل تجدید نظر می‌دانند. در موج دوم تمام پژوهش‌های مردانه رد می‌شدند و با دیدگاه مردسالارانه که زنان فرودست و ضعیف می‌داند مبارزه کردند. جان لچت از فمینیست‌های نسل دوم، دیدگاه‌های لوس ایریگاری، پیتن و لودوف را به میان می‌آورد و در معرفی مختصری نظر اندیشمندان و پیشروان این موج را می‌نویسد که این‌ها ساختارهای ایدئولوژیک ریشه‌داری که زنان را نسبت به مردان در وضعیت فرودستی قرار می‌دهند، مورد نقد خود قرار می‌دهند (لچت، ۱۳۸۳: ۹۸).

تجدیدنظری در موج سوم فمینیسم صورت گرفت از جمله بتی فریدان، جین گریر و جین بتکه الشتین مطالبی مطرح کردند که به احیای «مادری» مشهور است. به‌عنوان نمونه الشتین در کتاب مرد عمومی، زن خصوصی (۱۹۸۱)، به دفاع از حریم خصوصی زندگی خانواده‌ها و فرزندمحوری می‌پردازد و مادر بودن را یک فعالیت پیچیده، شادی‌آور و غنی می‌داند (راندر و کارن، ۲۰۰۸: ۲۸).



بررسی شخصیت‌های مهم زن رمان ملت عشق

اولین شخصیت مورد بررسی اللا است. اللا شخص و نقش اصلی رمان ملت عشق است. زنی فداکار که دردهای خود را در درون خود نگه داشته و آنها را ابراز نمی‌کند و برای اینکه این دردها را به فراموشی بسپارد خود را با کارهایی مانند خانه‌داری و شرکت در کلاس‌های آشپزی مشغول کرده است. (شافاک، ۱۳۹۷: ۲۴).

در کتاب ملت عشق در چند نقطه از کتاب به این مورد اشاره شده است که اللا در خانه‌داری خود موفق عمل کرده و در زمینه‌هایی مثل آشپزی چیره‌دست است. اللا زنی خانه‌دار و مادری است که به وظیفه مادری خود به خوبی عمل می‌کند. در عین حال نیز او دارای تحصیلات دانشگاهی نیز است و سعی می‌کند در کنار وظایف خانه‌داری خود شغلی مرتبط با رشته تحصیلی خود نیز پیدا کند. در جریان داستان ملت عشق نیز مشاهده کردیم که زندگی یکنواخت و عادی اللا دچار تغییراتی بزرگی می‌شود که منجر می‌شود او تصمیمات بزرگی را بگیرد.

اللا در رمان ملت عشق بیشتر به عنوان یک مادر فداکار به چشم می‌آید. در وصف صفت فداکاری مادر باید به حکایت سنایی در کشته شدن یحیی برمکی همراه با اشاره به این مسئله مهم تاریخی، حال ناخوش مادر داغ‌دیده‌ای را وصف می‌کند که بعد از ازدست دادن فرزند شایسته‌اش، صفات ارزنده مادرانه به خصوص فداکاری را به بهترین صورت ممکن از خود بروز می‌دهد و به این شیوه نه تنها شجاعت و صبوری خود را در مواجهه با بلا یا نشان می‌دهد؛ بلکه با اعمال خود نهایت عشق مادرانه‌اش را ثابت می‌گرداند و نابودی حکومت مأمون را از خداوند می‌خواهد. در نتیجه این اتفاقات مأمون سعی می‌کند با دورویی و تزویر کشته شدن فرزند این مادر به گردن سرنوشت بیندازد و خود را از این ماجرا تبرئه کند. زنان درست است که از عاطفه قوی برخوردار هستند و روح نرم و لطیفی دارد؛ ولی در مقابل حوادث و سختی‌ها بسیار مقاوم هستند. به طوری که کوه نیز با آن همه استقامت در برابر استقامت مادران سر تعظیم فرود می‌آورد. در رمان ملت عشق هم دیدیم که اللا با وجود اینکه از رسیدن به آرزوها و آمال خود بازمانده بود و حتی شوهرش دیوید نیز به خیانت کرده بود؛ ولی باز این مشکلات بزرگ را تحمل می‌کرد و در قبال وظیفه مادری خود هیچ‌گونه کوتاهی از خود نشان نداد. هر ویژگی خوبی که در مردان باشد، زنان بهترین و



کامل‌ترین وجه آن را دارند. مردان هرچقدر مهربان باشند و از خود عطف نشان دهند باز هم در این زمینه در مقایسه با زنان در سطوح پایین‌تری هستند. همچنین صفات پایداری، مقاومت، استواری، مهربانی و مقاومت در مصیبت‌ها در زنان به حدی است که مردان در حریم آن نیز نمی‌توانند وارد شوند. شاعران و نویسندگان معاصر و گذشته آثار فراوانی در مدح این صفات عالی زن آفریده‌اند و قدرت ایستادگی و بردباری او را ستوده‌اند (صارمی، یاراحمدی، ۱۳۹۷، ۱۰۷). در داستان رمان ملت عشق هم دیدیم که اللا چگونه در برابر ناملایمات زندگی خودش مقاومت می‌کرد به طوری که در جریان زندگی عادی او اخلاقی به وجود نمی‌آمد.

شخصیت زن بعدی کیمیا است. کیمیا دختری زیبارو در قونیه بود. شمس با کیمیا دیداری دارد و به او علاقه‌مند می‌شود. در آن زمان شمس شصت‌ساله و کیمیا بیست و پنج‌ساله بوده است. درباره‌ی کیمیا، رمان معروف «کیمیا خاتون، دختر رومی» خلق شده است. کتاب‌هایی که بر اساس حوادث تاریخی در مورد زندگینامه افراد معروف هستند و آن را نقل می‌کنند، وظیفه دشواری دارند. نویسنده باید در خطی میان توجه به مدارک تاریخی و ساخت واقعیت داستانی حرکت کند؛ و این کاری است که «موریل مائوفروی» در تلاش است که در کتاب «کیمیا خاتون، دختر رومی» انجام دهد. در این کتاب داستان زندگی کسی نقل می‌شود که تأثیرات مهمی در رابطه شمس و مولانا دارد؛ اما در کشمکش ارتباط معنوی این دو عارف، مجالی برای نشان‌دادن خود نداشته است. مائوفروی که سال‌ها درگیر پژوهش در فرهنگ شرق بوده، حین یادگیری زبان فارسی به اشعار مولانا علاقه‌مند می‌شود و از آنجایی که مخاطب آثار مولانا، شمس تبریزی است، توجه او را به خود جلب می‌کند. او در این کتاب می‌کوشد تا به منابع اصلی الهامش پایبند بماند و هم‌زمان نیز فنون داستان‌نویسی را رعایت و خلاقیت‌های ادبی خود را نیز حفظ کند. منابع الهام او اشعار مولانا، قسمتی از مقالات شمس و همچنین نوشته‌های تاریخ‌دانان است. نویسنده سعی می‌کند تا پیرنگ مستند اصلی دچار تغییرات زیادی نشود. درعین حال تلاش دارد که مرزهای احساس و منطق در ذهن مخاطب امروزی را شناسایی کرده و به آنها هم توجه کافی داشته باشد. در نتیجه بیشتر تمرکز نویسنده و قدرت خلق اثر او در شکل‌دهی به شخصیت کیمیا و وصف حالات و رفتارهای او صرف می‌شود. با توجه به اینکه مخاطبان ایرانی این کتاب از قبل آشنایی نسبی با مولانا



و شمس دارند، این رمان تعداد صفحات زیادی دارد. به‌منظور اینکه کیفیت رمان قابل قبول باشد و نویسنده بتواند تمام وقایع داستان خود را به‌خوبی در ذهن خواننده ترسیم کند این کتاب در بیست و هفت فصل نوشته شده است. این کتاب نخستین بار در سال هزار و سیصد و هشتاد و شش توسط نشر ثالث انتشار یافته است و تا سال هزار و سیصد و نود و نه به چاپ هشتم رسیده است. زبان اصلی کتاب فرانسوی است و توسط مهران قاسمی و با مقدمه سعیده قدس و غلامرضا خاکی ترجمه شده است. در ابتدای کتاب، در مقدمه‌ای از غلامرضا خاکی منابعی که نویسنده از آن‌ها برای انطباق زمانی، مکانی و تاریخی استفاده شده، به کتاب‌هایی همچون «مقالات شمس» و «مثنوی معنوی» اشاره شده است (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۷).

مفاهیم که مرتبط با زنان هستند اغلب اوقات توسط مردان مطرح شده است و تولید نظام معنایی و روند خودفهمی زنان، توسط مردان انجام پذیرفته است. در چند سال اخیر با توجه به تحول‌های شگرفی که در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به‌خصوص افزایش خودآگاهی زنان و فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، هویت جدید برای زنان در حال شکل‌گیری است. پیدایش اندیشه‌های نو و تغییر در موقعیت اجتماعی و فرهنگی و رشد آگاهی‌های زنان، مسئله تعریف مجدد و جدید از هویت زنان را موجب می‌شود (رضوانیان و کیانی بارفروشی، ۱۳۹۴: ۴۴). نویسندگان زن غربی بهترین استفاده را از موقعیت خود در خلق آثار کرده‌اند. آن‌ها رمان را برای برانگیختن تردید در سنت‌های غالب و باورهای سوگیرانه به کار برده‌اند. نظریه‌های حامی حقوق زنان که حتی در دانشگاه‌های اروپایی نیز مطرح شد نتیجه زحمات و تلاش‌های این گروه است. آنان توجه به موقعیت زن در جامعه را وارد فلسفه و اصول دانش کرده‌اند (آبوت و والاس، ۱۳۸۷: ۱۱). این مورد درباره نویسندگان زن ایرانی نیز صدق می‌کند. رمان‌های منتشر شده توسط زنان بر تولید، بازتولید و دگرگونی هویت جنسیتی زنان ایرانی و روابط قدرت میان زن و مرد تأثیر می‌گذارد. این آثار مصداق‌هایی عینی برای آشنایی روابط جنسیتی جامعه و تغییرات جاری هستند و میتوان از میان نوشته‌های این رمان‌ها جنبش بزرگ‌تر اجتماعی زنان را ردگیری و ساختار سلطه بر زنان و مقاومت‌های زنان در برابر آن را نمایان کرد (ولی زاده، ۱۳۸۷: ۴۲).



بدون شک ادبیات مؤثرترین عامل تعیین کننده در جایگاه زن در هر کشوری است. زن در ادبیات به مانند یک تابلو نقاشی زیبا ظاهر نمی شود، بلکه نویسندگان ادبی همواره او را در شرایط، حوادث و یا در تقابل یا تقارن با سایر عناصر اجتماعی با قلم خود به تصویر می کشند (علوی و سعیدی، ۱۳۸۹: ۳۹).

تفاوت هایی در آثار این نویسندگان از لحاظ مؤلفه های مورد بررسی وجود دارد. آثار داستانی راضیه «تجار» اغلب زنانی را نشان داده است که در درگیر شرایط نامناسب خانه هستند و دچار نوعی یأس و ناامیدی هستند و در سوی مقابل آثار داستانی «سیمین دانشور» شاهد استقلال نسبی زنان و حضور فعال زنان در جامعه هستیم؛ اما با این اوصاف نکاتی هست که بین آثار فرشته مولوی، راضیه تجار و سیمین دانشور مشترک است. در آثار آنان زن موجودی تنها، سرگردان و افسرده است. در اغلب این آثار زن موجودی است که مورد ظلم مردان قرار گرفته است در بیشتر این مدل از آثار نیز نگاهی که به زن وجود دارد، یک نگاه آمیخته به تمایلات جنسی و کالا پنداشتن زن است (جمالی و سجادی، ۱۳۹۴: ۴۹).

همان طور که از مطالب گفته شده برمی آید می توان به سادگی پی برد که سخت گیری های بیش از حد برای زنان از گذشته های دیرباز وجود داشته و در آثار ادبی زنان نیز دیده می شود. در رمان «ملت عشق» و «کیمیا خاتون، دختر رومی» این سخت گیری ها بر کیمیا به وضوح دیده می شود. باین وجود کیمیا سعی می کند تا این وضعیت را به خاطر عشق و علاقه به شمس تحمل کند و نمودی از روحیه فداکاری و از خود گذشتگی زنان باشد. به طور کلی با توجه به بررسی به عمل آمده کیمیا نمادی از زنان تحت ظلم و ستم مردان است.

شخصیت سوم مورد بررسی کرا خاتون است. کرا خاتون زنی مؤمنه بود که مولانا را بسیار دوست داشت. او در پارسایی نمونه بود و مولانا به همین خاطر او را از زن اولش بیشتر دوست داشت. کرا خاتون لحظه ای از مولانا غفلت نمی کرد و همیشه حواسش به او بود. زمانی که مولانا هنگام نماز و حالات انبساط روحانی و کشف شهود عرفانی، اشک می ریخت، کرا خاتون که زنی با درک و معرفت بود، یک جا با مولانا گریه می کرد و پاهای مولانا را می بوسید. در ادبیات فارسی نگرشی که به زن وجود دارد ابتدا از نقش مادر و سپس در مقام معشوق از او نشأت گرفته است و همین



امر پایه و اساس ارجمندی زن در آثار ادبی شده است. بر این اساس در اکثر آثار ادبی زنان را مکمل هویت مردان دانسته‌اند و به همین خاطر در کنار هر قهرمان مرد، این نماد زیبایی یعنی زنان را قرار داده‌اند تا نقش تربیتی و انسان‌سازی خود را برای مردان ایفا کنند. به طور مثال نظامی دیدگاه خاصی نسبت به زنان در آثارش دارد. به گونه‌ای که در داستان‌های او زنان نقش قهرمان اصلاح‌گر و آگاه از حقایق را ایفا می‌کنند و به تربیت و اصلاح مردان می‌پردازند. طوریکه شیرین، خسرو را با مفهوم عشق و وفاداری و هفت دختر شاهان هفت اقلیم، بهرام گور را با حقیقت حیات و لذا یزدروحانی آشنا می‌سازند و یا اینکه لیلی بر خلاف روال و عرف جامعه عمل می‌کند و به زور آنها را قبول نمی‌کند. انتخاب قهرمان اصلی داستان‌های نظامی از میان زنان، نشانه درک اهمیت جایگاه والای زنان از سوی او است (طغیانی و حاتمی، ۱۳۷۷: ۲۶).

در بیشتر آثار زنان مقامی ارجمند دارند و مخاطب نه تنها هرگز نمی‌تواند حضور زنان را نادیده بگیرد؛ بلکه شأن و منزلت آنان را همیشه درک می‌کند. گاهی اوقات به منظور درک بهتر این جایگاه مهم و نقش سازنده زنان، نقش اول داستان‌ها را به زنان می‌دهند. اگر هم نقشه‌ای زنان فرعی باشد، آنان شخصیت‌های مستقلی هستند که در عملکرد مردان داستان تأثیر می‌گذارند (نوروزی و خسروی زارگر، ۱۳۹۹: ۱۷۵).

برای مثال در همین داستان ملت عشق نقش اول داستان یک شخصیت زن به نام «اللا» است یا در داستان موازی آن نقش‌های مهمی برعهده زنان است؛ مانند نقش «کیمیا» و «کرا خاتون».

بحث و نتیجه‌گیری

جایگاه زن در آثار ادبی به صورت‌های متنوع به تصویر کشیده شده است. در ادبیات دوران پیشامدرن ما زن به صورت مطلق ستوده نشده است؛ بلکه زن در قالب صورت‌ها و گونه‌های متفاوت انسانی خودش توصیف شده است؛ مثل پیرزن ستم دیده‌ای در سروده‌های نظامی که ستوده می‌شود یا صورت مادری زن که تقدس بالایی دارد ولی زن به صورت مطلق و کلی مورد حمد و ستایش قرار نگرفته است؛ اما در ادبیات مدرن و تجدیدگرا از حالت کلیشه‌ای ادبیات کلاسیک خارج شده و تصویر جدیدی از زنان را به ما نمایش داد.



در ادبیات فارسی بیشترین نقشی که زنان داشتند نقش مادری بود. هیچ مهری والاتر از مهر وجود زنان و مادران وجود ندارد و همه ما نیز مهر و عطوفت مادران خود را بر مهر و عطوفت اطرافیان ترجیح داده‌ایم. رمان ملت عشق مخاطبان بسیاری داشته است. در این داستان نیز اللا در نقش یک مادر روح فداکارانه خوبی را از خود به نمایش گذاشته است. محبت بی‌منت مادران نسبت به فرزندان در بسیاری از آثار ادبی ذکر شده است. در این آثار می‌توان به سادگی محبت و عشق مادرانه را درک کرد که بدون هیچ چشمداشت مادی و منتی، مادران محبت خود را خالصانه به فرزندان اهدا می‌کنند و حاضر نیستند در سخت‌ترین شرایط و در عوض بالاترین پشتوانه‌های مادی، فرزند خود را از یاد ببرند و کسی را جایگزین او کنند. شافاک که در کتابش دو روایت را به طور موازی و کنار هم جلو می‌برد، در هر دوی این روایت‌ها ماجرابی از عشق را نقل کرده که احتمالاً نقطه اتصال هر دو، تلاش و تکاپو به سوی عشق باشد؛ در نتیجه اگر بر پایه الگوی گریماس بخواهیم هدف یا چیزی ارزشی برای این دو ماجرا تعیین کنیم بی‌شک، تکاپو و حرکت برای درک و فهم عشق است. در روایت عصر معاصر این داستان عشق اللا به‌عنوان یک مادر به فرزندان به‌خوبی توصیف شده است. سخن از مادر به‌اندازه تاریخ بشریت به درازا تواند کشید؛ زیرا از دیرزمان که آدمی بوده، مادر و محبت و فداکاری مادرانه نیز وجود داشته است. زن با وجود نیروی عاطفی قوی که دارد همچون کوهی محکم و استوار دیده می‌شود به‌طوری‌که باد شداید هرگز نمی‌تواند لرزه بر اندام سرشار از عطوفت او اندازد. چنان استوار می‌ایستد که کوه به همه ایستادگی در مقابلش شرمسار می‌گردد و سر تسلیم در برابر بردباری و متانت او فرود می‌آورد. باتوجه به مطالب ذکر شده باید اذعان کرد که زن دارای نیرویی است که به کمک آن می‌توان انسان را از پستی و حقارت نجات داد و آن را به اوج افتخار رساند.

کتاب ملت عشق از رمان‌های نوینی است که در تلاش برای بیان مسائل اخلاقی است. در جهان اومانستی که کل بشریت به نحوی از خدامحوری روی‌گردان شده و مشکلات جدیدی برای خود ایجاد کرده‌اند، پیدایش این رمان در دو داستان موازی و با تأکید بر چهل قانون شمس لزوم دوباره به اخلاق، عشق و معنویت را در زندگی گذشته و امروز مژده داده است. نویسندگان در این تحقیق با فهم و کشف گام‌به‌گام اخلاقیات و با تحلیل کلمه‌به‌کلمه گزاره‌ها و موقعیت‌ها با محوریت



اخلاق به کشف پیام‌های باارزش این رمان پرداختند. شافاک در رمان خود با بهره‌گیری از فکر و اندیشه‌های مولانا و شمس به دو روش به انتقال پیام‌های اخلاقی پرداخته است. این روش‌ها شامل روش مستقیم و غیرمستقیم است. اخلاق مسئله‌ای است که فقط با ایراد جمله‌های خبری و انشایی قابل فهم نمی‌شود؛ از این بابت نگارنده به کمک آشنایی اندک و بیان مستقیم عواطف انسانی و تجربیات و پیمایش در درون انسان‌ها، سبب افزایش آگاهی مخاطبان از دیگران را موجب شده است. در نهایت مخاطبان هم با خواندن این رمان و به کمک شبیه‌سازی، همدلی و تخیل به تقویت حواس اخلاقی خویش می‌رسند و با کمک راهنمایی‌های مؤلف به بینش‌مندی اخلاقی نزدیک می‌شوند مطالب فوق نقدی مثبت بر کتاب ملت عشق در زمینه اخلاق بود؛ اما قسمت‌هایی از این کتاب نیز وجود دارد که نقدهایی منفی بر آن وارد است. در این کتاب داستان‌طوری نقل شده است که جایگاه زنان مسلمان مطلوب نشان داده نشده است و شرایط زندگی آنها طوری توصیف شده که در رنج و عذاب و محدودیت هستند. به نظر می‌رسد باتوجه به نگرش فمینیستی که نگارنده این کتاب داشته مسائلی مانند حجاب بیشتر نوعی محدودیت برای زن حساب شده است برای همین نگاهی منفی به زنان مسلمان در این کتاب وجود دارد. باتوجه به پژوهش انجام شده اسلام برخلاف دیگر مکاتب و ادیان نه زن را در خانواده حبس و زندانی کرده است و نه فعالیت مطلق و بی‌حساب زنان را در اجتماع پذیرفته است. در فرهنگ اسلام زنان در سازندگی و ساختار اصلاح اجتماعی حضور فعال دارند و علاوه بر آن در همراهی و مشارکت با مردان در اجتماع و شرکت فعال در انتخابات سهمیم هستند. زنان در اکثر عرصه‌های اجتماعی دارای نقش مؤثر و بااهمیتی هستند. اسلام تا زمانی که حضور زن در محیط خارج از خانه صدمه‌ای بر پیکره خانواده وارد نکند، موافق با حضور اجتماعی او است. متوجه شدیم اگر در جامعه‌ای زنان بتوانند به حقوق واقعی و انسانی، اسلامی خود برسند قطعاً مردان نیز از مواهب الهی خود محروم خواهند بود و به حقوقی که یک انسان به طور طبیعی باید از آن برخوردار باشد، نخواهند رسید؛ چون که مردان در دامان زنان پاک و عقیف و فرهیخته می‌توانند به تربیتی نائل گردند که نه ستم‌دیده باشند نه ستمگر، نه ظالم باشند نه مظلوم.



منابع

- استرینیانی، دومینیک. ۱۳۹۲. مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک‌نژاد، کتابخانه فروردین: تهران.
- افخمی، بهروز؛ زینی‌زاده جدی، تقی؛ حسینی‌نیا، سید مهدی. ۱۳۹۷. «مطالعه جایگاه زن در دوره هخامنشی و آشوری بر اساس شواهد باستان‌شناسی»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، ۱۰، ۴، ۵۲۷-۵۴۸.
- آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۸۳. فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ چهارم، نشر نی: تهران.
- جمالی، شهرروز؛ سجادی، سیده رویا. ۱۳۹۴. «بررسی جایگاه زن در آثار سیمین دانشور، فرشته مولوی و راضیه تجار»، نشریه زبان و ادب فارسی، ۲۴، ۳۱-۵۰.
- چهرقانی، آیدا؛ گرجی، مصطفی. ۱۳۹۸. «بررسی و تحلیل ملت عشق و کیمیا خاتون با رویکرد به زندگی مولوی»، فصلنامه نقد کتاب، ۵، ۶، ۹۳-۱۰۶.
- خان‌زاده، زهرا؛ آفتابی، زهرا؛ صادق‌فام، خدیجه. (۱۴۰۱). نقد و تحلیل رمان ملت عشق، پنجمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی: تهران.
- خلعتبری، اللهیار؛ بهادری، علی. (۱۳۸۹). نگاهی انتقادی به جایگاه زن در متون کهن فارسی (از آغاز طاهریان تا پایان خوارزمشاهیان)، مسکویه، ۴، ۱۲، ۸۷-۱۰۸.
- رضوانیان، قدیسه؛ کیانی بارفروشی، هاله. (۱۳۹۴). بازنمایی هویت زن در آثار داستان‌نویسان زن دهه هشتاد، فصلنامه ادب پژوهی، ۳۱، ۳۹-۶۳.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۹). فمینیسم پست مدرن، مدیریت مطالعات سیاسی، انتشارات نهاد رهبری: تهران.
- سعادت‌تی، افسانه؛ محمدی فشارکی، محسن. (۱۳۹۹). تحلیلی بر شیوه‌های بیان اخلاقی در رمان ملت عشق، نشریه پژوهش‌های ادبی، ۶۹، ۶۳-۹۳.
- شافاک، الیف. (۱۳۹۷). ملت عشق، ترجمه ارسلان فصیحی، چاپ هفتاد و یکم، انتشارات ققنوس: تهران.



- شریفی، غلامحسین؛ محمدی آسیابادی، علی؛ میرمرعشی، فاطمه. (۱۳۸۹). کیمیای شمس، فصلنامه پژوهشی تحقیقات زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد واحد نوشهر، ۳، ۶، ۱۱۵-۱۳۹.
- صارمی یاراحمدی، جمیله. (۱۳۹۷). بررسی جایگاه زن از دیدگاه عاطفی در آثار سنایی غزنوی، نشریه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، ۴، ۱، ۱۰۵-۱۱۷.
- طغیانی، اسحاق؛ حاتمی، حافظ. (۱۳۷۷). رابطه اخلاق و ادبیات با رویکردی به آثار نظامی گنجه‌ای، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۱۰، ۲۳-۴۵.
- علوی، فریده؛ سعیدی، سهیلا. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه زن در آثار واقع‌گرایانهٔ جمالزاده و بالزاک، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، ۱، ۳، ۳۹-۵۸.
- عمید، حسن. (۱۳۷۳). فرهنگ لغات فارسی، نشر امیرکبیر: تهران.
- گلاب‌کش، صدیقه؛ فعالی، محمدتقی؛ شیخ‌الاسلامی، علی. (۱۳۹۹). زن از دیدگاه امام خمینی و حکیم سبزواری، پژوهشنامه زنان و خانواده، ۸، ۲۰، ۱۷۱-۱۸۹.
- لپت، جان. (۱۳۸۳). متفکر بزرگ معاصر، ترجمه محسن حکیمی، نشر ثالث: تهران
- منصورنژاد، محمد. (۱۳۸۱). مسئله زن، اسلام و فمینیسم، انتشارات برگ زیتون: تهران.
- نوروزی، زینب؛ خسروی زارگر، زهرا. (۱۳۹۹). تحلیل رمان ملت عشق بر اساس الگوی تحلیلی آژیرداس گریماس. همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات فارسی: تهران.
- ولی‌زاده، وحید. (۱۳۸۷). جنسیت در آثار رمان نویسان زن ایرانی، نقد ادبی، ۱، ۱، ۳۹-۵۲.
- وهاب‌زاده، رحمت. (۱۳۹۷). جایگاه زن در ادبیات فارسی ایران (با نگاهی بر ادبیات کلاسیک و مدرن)، دومین کنفرانس ملی دانش و فناوری در جامعه‌شناسی ایران.
- Radner, Karen. (۲۰۰۸). The delegation of power : Neo-Assyrian bureau seals, University College LondonIN.